رئیس اقلیم کردستان از سفر به تهران بعد از وقفه‌ای سه‌ساله به دنبال چیست؟

بازگشت به اقلیم گفت‌وگو

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

نچیروان بارزانی، رئیس اقلیم کردستان روز گذشته و بعد از تقریبا سه سال وارد تهران شد. برادرزاده مسعود بارزانی در مقایسه با مسعود بارزانی تمایل بیشتری برای تحکیم روابط ایران و اقلیم کردستان دارد. براین اساس سفر او به تهران با توجه به انگیزه او برای حل چالش‌ها در منطقه ایران و با در نظرگرفتن تحولات اخیر منطقه و اتفاقاتی که در جریان یکی دو سال اخیر در اقلیم کردستان رخ داده، حائز توجه است. البته این نکته را نباید فراموش کرد با توجه به نفوذی که صهیونیست‌ها در این منطقه دارند، اقدام اخیر ایران در پاسخ به رژیم در تمایل اقلیم برای حل چالش‌ها با ایران در این منطقه از روش دیپلماتیک، بی‌تاثیر نیست.

محورهای گفت‌وگو

نچیروان روز یکشنبه با هیاتی متشکل از معاون رئیس اقلیم کردستان، معاون رئیس اقلیم کردستان، مشاور ارشد رئیس اقلیم و وزیر امور داخلی اقلیم، رئیس دیوان و مشاور رئیس اقلیم وارد تهران شد. از جمله موضوعاتی که به نظر می‌رسد، گفت‌وگوهایی پیرامون آن بین دو طرف شکل بگیرد، موضوع خروج آمریکا از عراق و منطقه است. ایران بعد از ترور حاج قاسم سلیمانی به صراحت این موضوع را اعلام کرد که آمریکا باید منطقه را ترک کند و تلاش کرد تا ثبات را به منطقه برگرداند. با این حال و در شرایطی که حتی نخست‌وزیر عراق، به این موضوع اشاره کرده بود که حضور «ائتلاف بین‌المللی ضد داعش» به «رهبری آمریکا» در این کشور به «پایان خط» رسیده است، اما مقامات اقلیم در این مدت از حضور آمریکا در عراق حمایت کردند و حضور آمریکا در عراق را در مبارزه با تروریسم موثر دانستند، درحالی که آنچه در واقعیت امر اتفاق افتاده بود، افزایش تهدیدات علیه کشورهای منطقه من جمله ایران بود، براین اساس و با توجه به اینکه نخست‌وزیر اقلیم (مسرور بارزانی) و مسعود بارزانی (رئیس حزب دموکرات منطقه اقلیم) از حمایت و حضور آمریکایی‌ها در عراق حمایت کردند، این امر یکی از محورهای مهمی خواهد بود که ایرانی‌ها به آن اشاره خواهند کرد.

تحرکات آمریکایی‌ها در اقلیم کردستان

اقلیم علاوه بر دفاع از حضور آمریکا در عراق، یکی از مهم‌ترین حامیان آمریکا در عراق به شمار می‌رود که با توجه به گستره جغرافیایی اقلیم کردستان، می‌تواند کمک‌هایی نیز به آمریکا ارائه کند. با توجه به اینکه اقلیم یکی از مناطقی است که حضور آمریکا در این منطقه را تداوم داده، این حضور می‌تواند مستقیما برای ایران تهدیداتی به همراه داشته باشد، علاوه بر حضور آمریکایی‌ها اخیرا اقلیم بیش از گذشته محل حضور و فعالیت صهیونیست‌ها شده که در مواردی صهیونیست‌ها از این منطقه دست به انجام عملیات‌هایی علیه ایران می‌زدند. در واقع نه تنها آمریکایی‌ها از منطقه عراق خارج نشدند بلکه اخیرا صهیونیست‌ها نیز فعالیت‌های جدی‌تری را در این منطقه علیه ایران انجام دادند و این تهدیدات علیه ایران در منطقه اقلیم را تشدید کرده است. براین اساس تحرکات آمریکا و رژیم در اقلیم از جمله موضوعاتی خواهد بود که در این سفر بین دو طرف مطرح خواهد شد.

موضوع خرابکاری تجزیه‌طلب‌ها

علاوه براین در سال‌های اخیر و بعد از ماجرای مهسا امینی، گروه‌های تجزیه‌طلب مثل پژاک، حزب دموکرات که در این اقلیم حضور دارند، علنا اقداماتی علیه ایران انجام دادند و مشخصا در جریان ناآرامی‌ها در مناطق مرزی ایران، تحرکاتی علیه تمامیت ارضی ایران انجام دادند و تلاش کردند تا با قومیتی کردن اتفاق رخ داده، آشوب‌ها را تبدیل به مساله قومیتی کنند و روی فرمان تجزیه‌طلبی خود حرکت کنند. اگرچه این گروه پیش از این هم اقدامات تروریستی علیه ایران انجام می‌دادند، اما ایران نهایتا با توجه به تهدیداتی که متوجه این گروهک‌های تجزیه‌طلب کرده بود، چندباری مواضع این گروهک‌ها در اقلیم را هدف قرار داد. بعد از این با درخواست اقلیم ایران در چهارچوب توافقنامه امنیتی که با عراق و اقلیم کردستان، امضا کرد، صریحا خواست خود در مورد مواجهه با این گروه‌های تجزیه‌طلب را مطرح کرد که از جمله آنها؛ جلوگیری از تردد تروریست‌های کرد از عراق به ایران، تحویل دادن افراد تحت تعقیب، خلع سلاح و برچیدن اردوگاه‌های آنان بود. ایران همچنین صریحا اعلام کرد که گروه‌های تجزیه‌طلب باید از مرزهای ایران فاصله بگیرد و جای دیگری اسکان داده شوند. با این حال و با وجود تاکیدات ایران، اما همچنان بخشی از این توافق اجرایی نشده و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین محورهای گفت‌وگوی دو طرف، پیرامون اجرایی سازی توافقنامه امنیتی و تحرکات گروه‌های تجزیه‌طلب در این منطقه باشد. برای بررسی بیشتر ابعاد سفر بارزانی و محورهایی که در سفر مورد توجه قرار خواهد گرفت، با سیدهادی سیدافقهی، کارشناس مسائل غرب آسیا گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

صدور نفت از کرکوک به رژیم صهیونیستی

افقهی ابتدا اشاره‌ای به تاریخچه روابط ایران با اقلیم کردستان کرد و در توضیح گفت: «رابطه ایران و اقلیم کردستان چه در زمان شاه چه بعد از انقلاب، رابطه دوستانه‌ای بوده است. زمان شاه و به دلیل دشمنی که بین شاه و صدام و کلا حکومت بعث وجود داشت، شاه سعی می‌کرد با هماهنگی و اشراف آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها، ملامصطفی بارزانی را برای تضعیف حکومت مرکزی بغداد یعنی بعثی‌ها، حمایت کند ولی بعد از آشتی شاه و صدام با میانجیگری الجزایر یکی از مفادهای این توافقنامه این است که شاه کمک‌های خود را به ملامصطفی بارزانی و پیشمرگ‌های کرد قطع کند. صدام و قبل از صدام، خیلی افراد در دولت مرکزی عراق، تلاش کردند که بر اقلیم کردستان مسلط شوند اما موفق نمی‌شدند؛ چون پشت سر آنها حمایت‌های آمریکا و دول غربی و رژیم صهیونیستی بود. منتها آن زمان رژیم صهیونیستی حضور آشکار و علنی مثل این سال‌های اخیر نداشت. فلذا شاه به ملامصطفی بارزانی فشار آورد که ما داریم با عراق آشتی می‌کنیم و شما هم می‌توانید به ایران بیایید و به هر کشوری که مایل هستید، بروید. خاطرم هست زمانی که دانشجو بودم، در دانشکده کشاورزی کرج، دوره لیسانس را می‌گذراندم، بالاسر کوه‌های اطراف دانشگاه کاخ ملامصطفی بارزانی بود و خانواده و یکی از نوادگانش همکلاس من بود و برای من سرگذشت اقلیم کردستان را تعریف می‌کرد. به هر جهت بعد از انقلاب رابطه ما با مردم اقلیم کردستان رابطه خوبی بود، بعضی وقت‌ها اختلاف نظرهایی پیش می‌آمد. مسعود بارزانی، خواست کاملا از دولت مرکزی و خاک عراق جدا شود و به زعم خود، جمهوری کردستان تشکیل دهند و حتی رفراندوم هم برگزار کردند، از آن زمان به بعد دیگر روابط به سمت تیرگی حرکت کرد، چون ایران با دولت مرکزی فدرال عراق که آن زمان نخست‌وزیر حیدرعلی قالبی بود با ترکیه، جلوی این کار را گرفتیم و حتی تهدید به محاصره اقلیم کردستان صورت گرفت و حشدالشعبی و ارتش مسلط عراق حرکت کردند و کاری که کردند این بود که کرکوک را از چنگ مسعود بارزانی خارج کردند و تا کنون هم بارزانی نتوانست سلطه خود را بر کرکوک، برگرداند، چون کرکوک یک منطقه نفت‌خیز است و متاسفانه از کرکوک هم برای رژیم صهیونیستی نفت صادر می‌شد؛ این زخم اول است.»

اقلیم کردستان؛ پناهگاه داعش؟

سیدافقهی در ادامه ظهور داعش و موضع‌گیری‌های اقلیم در مورد این منطقه را زخم دومی دانست که در روابط بین ایران و اقلیم ایجاد شد و گفت: «زخم دوم، مساله ظهور داعش بود و ما متاسفانه دیدیم بنا به درخواست مسعود بارزانی -که می‌گوید- من از انگلیس‌ها درخواست کردم که داعش به اربیل رسیده و به ما کمک کنند، جواب تلفن ما را نمی‌دادند اما شهید سلیمانی ما را نجات داد. آن زمان رژیم حضور آشکار و علنی نداشت و شاه فشار آورد که ما آشتی می‌کنیم و علی‌رغم اینکه شهید سلیمانی بنابر درخواست خود مسعود بارزانی که در مصاحبه‌اش با بی‌بی‌سی گفت شهید سلیمانی ما را نجات داد، بعد از آن مسعود بارزانی و رسانه‌های اقلیم کردستان، انواع و اقسام تهمت‌ها و دشنام‌ها را به نیروی قدس و حاج قاسم سلیمانی می‌دادند. بعد از شکست داعش و حامیان سیاسی داعش در پارلمان که فرار کردند، همه آنها در اقلیم کردستان پناه گرفتند، اشخاصی مثل الهاشمی و خمیس الخنجر که محکوم به اعدام بودند، اول به اقلیم کردستان رفتند و از آنجا هم به ترکیه رفتند و اردوغان هم آنها را حمایت می‌کرد.»

۷۰ نامه‌نگاری بین ایران و عراق درباره تحرکات موساد

حضور موساد در اقلیم و فعالیت‌های جاسوسی علیه ایران، اقدام دیگری بود که سیدافقهی از آن با عنوان زخم سوم در روابط دوطرف نام برد و توضیح داد: «زخم سوم در حادثه پناه دادن موساد به صورت شبه علنی و علی‌رغم مکاتبات بیش از ۷۰ نامه‌نگاری بین ایران و دولت مرکزی عراق و خود اقلیم کردستان بود؛ ما می‌گفتیم موساد در اقلیم جولان می‌دهد و علیه ما اقدام می‌کند، آموزش تروریست می‌دهد، عملیات انجام می‌دهد، جاسوسی و شنود می‌کند، گوش نکردند تا اینکه سازمان هوافضای سپاه یکی از مهم‌ترین مراکز شعبه موساد در اقلیم کردستان را زد. این در واقع برای سه، چهار سال پیش است. مجدد هشدارها موثر واقع نشد و سپاه مجبور شد یکی از مراکز مهم موساد را، علی‌رغم دادن هشدارها و آدرس‌ها به مسئولان موساد، مورد هدف قرار دهد و اقلیم کردستان دیگر با ما شبه قطع رابطه کرد، و حرف‌هایی که خیلی زننده بود را به جمهوری اسلامی نسبت داد و تمام کمک‌ها و حمایت‌هایی که قبل و بعد از انقلاب از مردم کردستان انجام می‌شد و تقدیم آنها می‌شد، متاسفانه نادیده گرفته شد. در واج این مساله، مساله مهسا امینی بود که گروه و جریان‌های جدایی‌طلب، مثل کومله و حزب دموکرات کردستان ایران و پژاک در اقلیم کردستان پایگاه و پادگان و اسلحه نیمه‌سنگین دارند؛ باز می‌بینیم اقلیم کردستان دست اینها را برای انجام هرگونه فعالیت باز گذاشت تا اینکه در مساله مهسا امینی سپاه مراکز و مواضع جدایی‌طلبان را بمباران کرد و اینها فریاد وا اسلاما سر دادند که سیادت و تمامیت ارضی عراق، زیر سوال رفته و ایران به خاک عراق تجاوز کرده است، در حالی که طبق قوانین بین‌المللی، از هرکشوری که به ما تجاوز می‌شود، و احساس و اقدام خطر می‌کنند، ما حق دفاع از خودمان را داریم.

مقامات اقلیم لازم دیدند به تعهدات‌شان عمل کنند

سیدافقهی در ادامه به این موضوع اشاره کرد که پیش از اقدام ایران برای برخورد با گروهک‌های تجزیه‌طلب، وزیر خارجه عراق از ایران خواست تا این مساله با مذاکرات حل شود و توضیح داد: «فواد حسین، وزیر خارجه عراق که کرد است و یکی از اعضای حزب دموکرات کردستان عراق است به ایران آمد و تقاضا کرد که خواهش می‌کنیم مسائل را از طریق مذاکرات سیاسی حل کنید. قبل از اقدام نظامی، ما یک کمیته تشکیل دادیم تا یک کار مشترک انجام دهیم و از طریق سیاسی، کار را حل کنیم. به همین منظور توافقنامه‌ای مبنی بر اینکه گروه‌های مسلح تا یک فاصله بسیار زیادی از مرز ایران تا داخل عمق خاک کردستان خلع سلاح شوند نوشته شد، تا اعضای این گروهک‌ها تبدیل به آواره جنگی و پناهنده شوند، نه اینکه تبدیل به گروه‌های جدایی‌طلب مسلحانه شوند. دولت مرکزی حرفی نداشت و ما هم امضا کردیم اما ماگاه به گاه می‌دیدیم که فعالیت‌ها و تحرکات آنها هنوز ادامه دارد و برای عملیات‌های خرابکارانه و تروریستی نیز نقشه می‌ریختند که من یکی دوبار شنیدم سرلشکر باقری، رئیس ستاد گله کرد که آن توافقنامه سه‌گانه‌ای که بین ما و دولت مرکزی و اقلیم کردستان امضا شد به مفادش خیلی عمل نمی‌شود. بنابراین و در شرایط فعلی که مساله فلسطین و رژیم صهیونیستی و جنایت‌هایی در حال رقم خوردن است و تیرگی روابط و اشکالاتی که بین ما و اقلیم کردستان رخ داده است، خود کردها لازم دیدند که بیایند و مسائل را شفاف بگویند و حرف‌های ما را هم بشنوند و به تعهدات‌شان عمل کنند.»

نچیروان به دنبال حل چالش‌ها با ایران با مذاکره

سیدافقهی به این موضوع اشاره کرد که بارزانی برخلاف مسرور بارزانی به دنبال گفت‌وگو و حل چالش‌ها با ایران است و گفت: «ما روابط خوب اقتصادی، فرهنگی با اقلیم کردستان داریم و بخش زیادی از مفردات مردم این اقلیم فارسی زبان هستند. ما به این اقلیم احترام می‌گذاریم گرچه داخل خود این اقلیم مشکلات و اعتراضات زیادی درباره نحوه حکومت‌داری اقتصادی و امنیتی آقای بارزانی وجود دارد و حتی تظاهرات و درگیری‌هایی نیز وجود داشته که منجر به بازداشت و کشته شدن عده‌ای نیز شده است که خبرهایش را داریم. فلذا آمدن نچیروان بارزانی که از قضا هم برادرزاده و هم داماد مسعود بارزانی نیز هست به نظر بنده یک شخصیت گفتمانی است و دوست دارد رابطه با ایران تحکیم شود و گرم بماند و برخلاف مسرور بارزانی که به غرب، آمریکا و اسرائیل و امارات تمایل دارد، نچیروان بارزانی دوست دارد عصا را از وسط بگیرد و تمایل دارد که مشکلات را از طریق تفاهم، دیدار و مشورت و مذاکره موضوعات را حل کند تا وضعیت بدتر از این نشود. ما هم امیدوار هستیم به تعهداتی که دادند پایبند باشد و حرف‌های دلسوزانه‌ای که از مقامات ایران می‌شنوند گوش بدهند، چون به نفع‌شان است و بیش از این به رژیم صهیونیستی اجازه جولان ندهند.»

ضربه ایران به رژیم، معادلات منطقه‌ای را تغییر داد

پاسخ ایران به اسرائیل مشخصا معادلات جدیدی را در منطقه به‌وجود آورده که به نظر می‌رسد رفتار کشورهایی که از حمایت اسرائیل برخوردار بودند را تحت تاثیر قرار خواهد داد. سیدافقهی درباره تاثیر این پاسخ روی رفتار مقامات اقلیم نیز گفت: «سیلی که جمهوری اسلامی ایران به صورت رژیم صهیونیستی نواخت باعث شده که این رژیم هنوز تعادل خودش را به دست نیاورده است. آن کسانی که فکر می‌کردند اگر روزی اتفاقی بیفتد رژیم صهیونیستی می‌آید و نجات‌شان می‌دهد، به این نتیجه رسیدند که به یک دیوار در حال ریزش تکیه کرده‌اند و من تصور می‌کنم که به طور کلی محاسبات بسیاری از کشورها را زیر و رو کرد. چون برخی از کشورها فکر می‌کردند اسرائیل قوی‌تر از ایران است و ایران از پاسخ دادن می‌ترسد. من یک هفته بعد از پاسخ «وعده صادق» دیداری با سردار حاجی‌زاده داشتم که در آن دیدار اولین جمله‌ای که گفت این بود که اسرائیلی‌ها باور نمی‌کردند ما می‌زنیم. برای همین کنسولگری ما را مورد هدف قرار دادند. یعنی به مخیله‌شان هم خطور نمی‌کرد که ایران بزند و آن هم چنین ضربه وحشتناکی که ۳۸۰ موشک و پهپادی به اسرائیل بفرستد. برای همین هم هست که تا امروز صدایشان هم درنیامده است. کردها، کشورهای جنوب خلیج فارس، ترکیه، آذربایجان که حمایت مستقیم اسرائیل را هم داشت و به آن افتخار می‌کرد در حال حاضر می‌بینیم که آذری‌ها اظهار تمایل می‌کنند که با ما بیشتر تفاهم کنند و البته ما هم استقبال می‌کنیم اما حرفی که وجود دارد این است که این ضربه معادلات بازدارندگی را عوض کرد. در داخل خود رژیم هم افرادی هستند که دولت رژیم را شماتت می‌کنند که در رأس آنها وزیر بدنام صهیونیستی «ایتمار بن گویر» است که صدایش درآمد و معتقد بود برای اسرائیل آبروریزی شده است.»

آشوب در اقلیم کردستان به نفع ایران نیست

حمایت اقلیم از حضور آمریکا و تحرکات صهیونیست‌ها در اقلیم کردستان، یکی از موضوعاتی است که احتمالا در گفت‌وگوهای دوطرف مطرح می‌شود، سیدافقهی درباره این حمایت و موضع اقلیم گفت: «وقتی بحرینی‌ها و اماراتی‌ها با رژیم صهیونیستی عادی‌سازی کردند و حتی همین الان در اوج اتفاقات غزه، عربستانی‌ها نیز در حال مذاکره هستند تا با رژیم صهیونیستی عادی‌سازی کنند. از همین رو اقلیم کردستان هم تافته جدابافته از این فرمول نیست. ما نمی‌توانیم جلوی آنها را بگیریم و بگوییم عادی‌سازی نکنید. اما می‌توانیم به آنها هشدار و اولتیماتوم بدهیم که اگر هر آینه از زمین شما، از آسمان شما، از آب‌های شما، رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه تمامیت ارضی و منافع ملی ما بخواهد اقدامی کند، هر چیزی دیدید از چشم خودتان دیدید و قوانین بین‌المللی نیز به ما اجازه دفاع از خودمان را نیز می‌دهد.»

سیدافقهی درباره اینکه درصورتی که اقلیم حاضر به کنترل این شرایط نشود، اقدام ایران چه خواهد بود، گفت: «ما اصلا دنبال تضعیف اقلیم کردستان نیستیم، چون به ضرر ماست. لذا اگر در اقلیم کردستان آشوب شود، قطعا روی خود وضعیت استقرار دولت مرکزی عراق اثر می‌گذارد و باید این زخم کهنه زودتر التیام پیدا کند. چون اگر رابطه ما با این اقلیم بد یا قطع شود، قطعا اسرائیل و این گروه‌های جدایی‌طلب این خلأ را پر می‌کنند و ما نمی‌خواهیم این اتفاق بیفتد. برای همین ما به طور مرتب به اقلیم کردستان هشدار می‌دهیم. قطعا هم در این سفر مقامات سیاسی و امنیتی ما این هشدار و این نصیحت را به آقای نچیروان خواهند داد. چون ما اصلا نمی‌خواهیم در منطقه فرصت و ظرفیتی ایجاد شود که آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در اقلیم کردستان ترک تازی کنند. البته باید منتظر باشیم و ببینیم که نچیروان حامل چه پیام‌هایی است و از طرف ایرانی چه خواهد شنید.»

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۴۱۳۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ماجرای رد صلاحیت رئیس‌جمهور سابق ادامه دارد

روحانی و شورای نگهبان در چالش شفافیت

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

«چرا برخی از روسای جمهور سابق در انتخابات رد صلاحیت می‌شوند؟» سوال یک خبرنگار از هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان در بهمن‌ماه سال گذشته و پس از اعلام نتایج نهایی کاندیداهای تایید صلاحیت‌شده بود. طحان‌نظیف در پاسخ به این سوال گفت: «شورای نگهبان چک سفید امضا به هیچ‌کسی نمی‌دهد، هر انتخاباتی شرایطی دارد.» این پاسخ دقیقا پس از نامه اعتراضی حسن روحانی خطاب به شورای نگهبان مطرح شد. ماجرا به اینجا ختم نشد و از همان روزهای ابتدایی رد صلاحیت، واکنش‌ها و مسائل جدیدی پیرامون این موضوع مطرح شد تا جایی که حسن روحانی از دلایل رد صلاحیتش پرده برداشت. شورای نگهبان هم به اظهارات او واکنش نشان داده و آنها را تایید نکرد. همچنین عصر روز گذشته، یکشنبه ۱۶ اردیبهشت دفتر روحانی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «موارد رد صلاحیت حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی در انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری به صورت اجمالی و تفصیلی برای آگاهی عموم منتشر خواهد شد.» همچنین در این اطلاعیه ادعا شده که روحانی طی نامه‌هایی پاسخ شورای نگهبان را شامل انتسابات کلی و بدون مستندات عنوان کرده و خواستار ارائه مکتوب دلایل رد صلاحیت شده بود که شورای نگهبان مستندات را برخلاف قانون ارسال نکرده است. با توجه به درگیر شدن افکار عمومی نسبت به کشمکش‌های میان رئیس جمهور سابق و شورای نگهبان، این سوال ایجاد می‌شود که چرا شفافیتی در این زمینه وجود ندارد؟

طبق قانون دلایل را منتشر نمی‌کنیم

حسن روحانی، رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم و نماینده مجلس خبرگان دوره‌های سوم، چهارم و پنجم که حالا از راهیابی به دوره ششم این مجلس جامانده بود، روز چهارم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ با انتشار نامه‌ای از رد صلاحیت خود برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری خبر داد. روحانی طی این نامه، اعتراض خود را نسبت به حکمی که شورای نگهبان هنوز آن را منتشر نکرده بود اعلام و این شورا را به «رعایت نکردن بی‌طرفی سیاسی» متهم کرد. همچنین روحانی از شورای نگهبان درخواست کرد که دلایل رد صلاحیتش را اعلام کند. این نامه موجی از واکنش را در رسانه‌ها ایجاد کرد و اظهارات مختلفی در این‌باره مطرح شد تا اینکه شورای نگهبان با اعلام لیست نهایی کاندیدای تایید صلاحیت‌شده، مهر تاییدی بر رد صلاحیت رئیس جمهور سابق گذاشت و گمانه‌زنی‌ها درباره دلیل این اتفاق شدت گرفت.

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان در اولین واکنش خود نسبت به نامه روحانی اعلام کرد که «اولویت شورای نگهبان با بررسی صلاحیت کسانی است که شکایت داشتند، نسبت به کسانی که شکایت نداشتند.» طحان‌نظیف پیش‌تر در دی‌ماه همان سال با اشاره به اینکه برای انتشار عمومی دلایل رد صلاحیت‌ها به مجوز قانونی نیاز است، گفته بود: «اگر روزی قانون اصلاح شود و مجوزی به ما داده شود، پایبند به قانون هستیم و دلایل را منتشر خواهیم کرد.» البته در دوره‌های سابق هم شورای نگهبان اعلام کرده بود که دلایل رد صلاحیت را به خود کاندیداها اعلام می‌کند اما درخصوص اعلام عمومی این دلایل معذوریت قانونی دارد.

فقط وقتی تایید می‌شوند سطح درک شورای نگهبان بالاست

کشمکش‌های حسن روحانی و شورای نگهبان تا به امروز ادامه داشته است. در آخرین مورد، روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت، حسن روحانی در دیدار با وزیران و معاونان دولت‌های یازدهم و دوازدهم از انتشار عمومی پاسخش به شورای نگهبان درباره دلایل رد صلاحیت در انتخابات شورای نگهبان خبر داد و گفت: «من به ایرادات شورای نگهبان پاسخ خواهم داد تا مردم از سطح درک اعضای این شورا از مسائل حیاتی کشور مطلع شوند.» وی در ادامه موارد رد صلاحیتش را اعلام کرد که براساس آن، «اهانت به قوه قضائیه و شورای نگهبان» و «عدم ایستادگی در برابر غرب و اشکال در اجرای برجام» مواردی بودند که باعث رد صلاحیت رئیس جمهور سابق کشور از شرکت در انتخابات مجلس خبرگان شده‌اند. این گفته‌های روحانی باز هم آتش زیر خاکستر افکار عمومی را بیرون کشید و از یک سو شایعاتی را درخصوص عملکرد شورای نگهبان و از سوی دیگر رویکرد خود حسن روحانی در موارد اعلام‌شده ایجاد کرد.

این بحث‌ها به نشست خبری سخنگوی شورای نگهبان در صبح روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت رسید و طحان‌نظیف در واکنش به ادعاهای اخیر روحانی ضمن تاکید بر اینکه بررسی صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری با فقهای شورای نگهبان است اعلام کرد که «دلایل رد صلاحیت به صورت مکتوب به حسن روحانی اعلام شده. موارد متعددی است و محدود به این چند موردی که گفته شده نیست.» وی همچنین درخصوص دلایل مطرح‌شده توسط روحانی گفت: «چندین موردی هم که توسط ایشان مطرح شده بعضا به صورت دقیق گفته نشده است.» طحان‌نظیف در ادامه گفت: «بررسی صلاحیت خبرگان رهبری با فقهای شورای نگهبان است و تاکید عزیزان نیز همیشه بر اجرای قانون بوده است؛ این حرف‌ها تازگی ندارد. ظاهرا برخی وقتی تایید می‌شوند سطح درک شورای نگهبان بالاست و وقتی رد می‌شوند حرف دیگری دارند.»

چرا شفاف نیستید؟

تقریبا چهار ماه است که مردم شاهد عدم شفافیت این کنش و واکنش‌ها میان روحانی و شورای نگهبان هستند و ظاهرا بازنده این بازی هیچ‌کس جز افکار عمومی نخواهد بود. در یک سمت، شورای نگهبان مدعی است که دلایل رد صلاحیت را به شخص کاندیداها اعلام می‌کند و آنها مختارند که در صورت صلاح‌دیدشان، ادله را به صورت عمومی منتشر کنند. در سمت دیگر اما کاندیدای رد صلاحیت‌شده تا مدتی ضمن عدم اعلام دلایل رد صلاحیتش به مردم، از این موقعیت استفاده می‌کند تا افکار عمومی را تحت فشار قرار داده و آن را به سمت خود بکشد. در ادامه هم مجددا شورای نگهبان مجبور به پاسخگویی و «شفافیت حداقلی» شده و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. اینجا یک علامت سوال بزرگی در کنار «افکار عمومی» ایجاد می‌شود که با توجه به تشدید اهمیت این موضوع در سال‌های اخیر، باید پاسخ مناسبی به آن داده شود. «شفافیت» یک راهبرد مهم در پاسخ به این مساله است. اصلاح قانون و اعطای مجوز به شورای نگهبان می‌تواند از شکل‌گیری این مسائل جلوگیری کند. از طرف دیگر حسن روحانی هم به عنوان شخصی که سابقه دو دوره ریاست جمهوری و سه دوره نمایندگی مجلس خبرگان را در کارنامه خود دارد، می‌تواند به صورت شفاف از «موارد متعددی که محدود به موارد گفته‌شده نیست» پرده‌برداری کند. به هرحال باید توجه داشت که دود این تنش‌های سیاسی نه تنها جاده توسعه کشور را سیاه می‌کند بلکه به سرعت در لایه‌های اجتماع نیز نفوذ خواهد کرد.